

تباکی

مواجهه نواندیشان ایرانی با محرم حسینی

سید هادی طباطبائی

www.ketab.ir

۱۴۰۱



تباکی

مواجهه نواندیشان ایرانی با محرم حسینی
سید هادی طباطبائی

طراح جلد: سعید زاشکانی - امور فنی: انتشارات کویر

چاپ و صحافی: غزال - شمارگان ۵۰۰ - چاپ اول ۱۴۰۱

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۴-۳۶۳-۴ - ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۴-۳۶۳-۴ - قیمت ۱۰۵۰۰۰ تومان

نشانی: تهران - کریم خان زند ابتدای قائم مقام فراهانی کوی یکم شماره ۲۰ ساختمان کویر
کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۱ - تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ - نامبر: ۸۸۳۴۲۶۹۷



Kavirbook@gmail.com



[KavirPublishingCo](#)



[Kavir.Pub](#)

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است

فهرست مطالب

مقدمه	۱۳
فصل اول: سید مصطفی محقق داماد؛ ماجرای جهلی که به عاشورا انجامید	۱۷
۱-۱- جهل مقدس	۱۸
۱-۲- تبیین حرکت امام حسین (ع)	۲۱
۳-۱- مواجهه با فساد معرفتی	۲۵
۴-۱- حق آزادی بیعت	۲۸
۵-۱- سوء استفاده از نظریه‌های عرفانی	۳۰
۶-۱- توصیه به مداحان	۳۲
فصل دوم: عبدالکریم سروش؛ عاشورا عرصه‌ای برای انتقام خواهی نیست	۳۷
۱-۲- قیام انقلابی امام؟	۳۸
۲-۲- هویت سازی	۴۳
۳-۲- درسهای عاشورا	۴۹
۴-۲- توجه به نگاه مولوی در واقعه عاشورا	۵۲
۵-۲- امام حسین یک استثناء بود	۵۶
۶-۲- دعای عرفه	۶۰
۷-۲- زیارت عاشورا	۶۲
۸-۲- امام حسین و عیسی مسیح	۶۷
۹-۲- در نقد انتقامجویی	۷۰
فصل سوم: مصطفی ملکیان؛ معیارهای اخلاقی در منش حسینی	۷۳
۱-۳- مواجهه با واقعه عاشورا	۷۴
۲-۳- امام حسین؛ قدیس اخلاقی	۸۱

۳-۳- خشونتِ عشق ۸۴

۳-۴- پیام عاشورا برای امروز ۹۰

فصل چهارم: ابوالقاسم فنائی؛ الگوی عقلانی و اخلاقی امام حسین (ع) ۱۰۳

۴-۱- الگویی به نام امام حسین (ع) ۱۰۴

۴-۲- قرآنت‌هایی از عاشورا ۱۱۰

۴-۳- اخلاقِ فرادینی امام حسین (ع) ۱۲۰

۴-۴- اسلامِ علوی؛ اسلامِ اموی ۱۲۴

۴-۵- عزاداری ۱۳۱

فصل پنجم: محمد سروش محلاتی؛ موازین عقلانی در حرکتِ حسینی ۱۳۷

۵-۱- حرکتِ عاشقانه‌ی امام؟ ۱۳۸

۵-۲- عزتِ حکیمانه ۱۴۰

۵-۳- امام؛ قربانیِ اسبابِ دینی ۱۴۲

۵-۴- نقدِ تعمیم‌های ناروا ۱۴۸

۵-۵- فقهِ عاشورا ۱۵۰

۵-۶- قیام برای جهل زدایی ۱۵۶

۵-۷- مذاکره با دشمن ۱۶۰

۵-۸- صورت‌گرایی و حقیقت‌گرایی در عاشورا ۱۶۴

۵-۹- شعائرِ دینی ۱۶۷

۵-۱۰- ادعای بی‌خبری ۱۷۱

۵-۱۱- خونِ مظلوم ۱۷۳

۵-۱۲- صبرِ زینبی ۱۷۵

فصل ششم: داود فیرحی؛ زمینه و زمانه‌ی عاشورا ۱۷۹

۶-۱- زیر و بمِ مفهومِ اصلاح ۱۸۰

۶-۲- چرا نیاز به اصلاح بود؟ ۱۸۲

۶-۳- معاویه ۱۸۴

۱۸۷ ۴-۶- نسبت جامعه و حکومت

۱۹۰ ۵-۶- روحانیت ضعیف

۱۹۴ ۶-۶- دو گفتمان

۱۹۸ ۷-۶- دگردیسی درونی خلافت

۲۰۱ ۸-۶- فرمول عُمَر

۲۰۲ ۹-۶- اَنَا قَتِيلُ الْعِبْرَةِ

۲۰۴ ۱۰-۶- عاشورا و فرهنگ مقاومت

فصل هفتم: آرش نراقی؛ آیین قربانی و فرهنگ شهادت طلبی ۲۰۷

۲۰۸ ۱-۷- آیین قربانی

۲۱۰ ۲-۷- قربانی فرزند

۲۱۱ ۳-۷- روایت قربانی در ادیان توحیدی

۲۱۲ ۴-۷- داستان ابراهیم (ع)

۲۱۴ ۵-۷- چرا ابراهیم از قربانی کردن محروم شد؟

۲۱۶ ۶-۷- تحولی در آیین قربانی

۲۱۹ ۷-۷- مفهوم شهادت در دنیای معاصر

۲۲۳ ۸-۷- تأملی در مناسک محرم

فصل هشتم: سروش دباغ؛ تعالیم اخلاقی و آگزیستانس عاشورا ۲۲۷

۲۲۸ ۱-۸- فراقه در عاشورا

۲۳۱ ۲-۸- مفاهیم اخلاقی عاشورا

۲۴۶ ۳-۸- مواجهه آگزیستانس

۲۵۳ ۴-۸- عاشورا و الیناسیون دینی

۲۵۷ منابع

۲۶۷ نمایه

مقدمه

خاموش نمی‌شود. به سردی نمی‌گراید. گویی هیچ آبی این آتش را افافه نمی‌کند. به هزاران جَهد کوشیدند تا مانع شوند. خواستند تا شعله‌هایش را فرو نشانند. خواستند خورشیدی به گِل اندود کنند. قرنهاست چنین می‌کنند. اما: **إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا**^۱.

در دلها رسوخ کرده. به تیغ و سنان هم اگر بخواهند، به طَعْن و تخفیف هم اگر برآیند، به اتهام زنی و سنگ پرانی هم اگر بکوشند، باز هم از دلها برون نمی‌شود. بسیاری به آن دل سپرده‌اند. سکنجی روحی می‌یابند. التیام آلام در آن می‌جویند. چه اراده‌ای در گرفته است؟ چه در پی است که مرآت زائران را به محبت بدل می‌کند؟ چه رازی است که مشقت زیارت را به حلاوت می‌گشاید؟ کرد این بام و کبوترخانه می‌توان چرخید. پَر گشود. بر گنبدش نشست. سیل مشتاقانش را نظاره کرد. اما رازش چیست؟ این محبت چگونه فراگیر شده است؟ چرا افزون و افزونتر می‌شود؟ بر کسی معلوم نیست. چه سیری در آن نهفته است، کسی راه به آن نمی‌برد. حال که نامکشوف است چه باید کرد؟ با این رازِ سر به مهر چه کنیم؟ آن را در هاله‌ی تقدس و انهیم؟ رزق معنوی برگیریم و اشکی جاری کنیم و در به روی فهم آن ببندیم؟ مرام حسینی را در نظر نیاوریم و درس آموزی او را مسکوت گذاریم؟ این آن چیزی است که مذهب جعفری می‌خواهد؟ این توصیه‌ها به اولوالالباب است؟ هرگز! نه می‌توان در به روی عقل و منطق و استدلال بست، نه می‌توان به تقدیس و تقدس محض روی آورد. باید که دست در

^۱ پیامبر اکرم فرمودند: برای شهادت حسین (ع) حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود. (جامع احادیث شیعه، ج ۱۲، ص ۵۵۶؛ همچنین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۱۸)

کارِ فهم شد. باید که زوایای پیدا و پنهانِ کربلا را کاوید. اشکِ ریزی و رزقِ روحی و معنوی، یک سوی ماجراست. اما همیشه پای عقل هم در میان است.

در مواجهه با پرسشها نمی توان دم فرو بست. نمی توان چشم بر هم نهاد و به احوالِ خود دلمشغول ماند. اگر حرارتی در قلوبِ مؤمنین در گرفته است، آیا نمی تواند در دلِ دیگران هم اثر کند؟ نمی تواند غیر دینداران را به تکریم بیاورد؟ آیا مرامِ حسینی به قوم و قبیله ای منحصر است؟ تعمیمِ جهانی نمی پذیرد؟ دیگرانی نمی توانند از آن مشقِ برگیرند؟ پژوهشگرانی به این سوی ماجرا اندیشیده اند. به جنبه های اخلاقی و عقلانی و معنوی حرکتِ امام توجه داده اند. همان جنبه هایی که قابلیتِ تعمیم پذیری دارد. همانهایی که زمان و مکان نمی شناسد. آنهایی که نه تنها مؤمنان، که غالبِ آدمیان را ثمری می بخشد. نه تنها شیعیان، که عالمیان در مقابلِ آن سر به تعظیم فرو می آورند.

این محققان کوشیده اند از قوه ذره رفتار امام و اصحابش سراغ بگیرند. مفاهیم به کار رفته در لسان امام را تبیین کنند. تبیینی که امروزان را به کار می آید. از الگو بودن امام سخن می گویند. اینکه چه مؤلفه هایی باید در رفتارِ امام برجسته دید؟ چه نکاتِ نابی برای امروزان برگزینی است؟ چه ابهامهایی را باید زدود؟ وقتی که بر استثناء بودن عاشورا تأکید می رود، چه مقصودی مراد می شود؟ هنگامی که امام می گوید: اگر دین ندارید، آزاده باشید، از چه سخن گفته است؟ آیا در عاشورا باید از فقه سراغ گرفت؟ باید اخلاق را برجسته دید؟ باید به معنویت تأکید کرد؟ امام به کدامین مقید بود. و دهها از این دغدغه ها و از این پرسشها. دغدغه هایی که منحصر به زمان و مکانی محدود نیست.

مواجهه با عاشورا می تواند از منظرهای متفاوتی صورت پذیرد. می توان جامه ی سیه به تن کرد. در گنجِ مجلسش نشست. دستی به پیشانی نهاد. اشکی از دیده جاری کرد. و خنڈا بر این رفتار و هتینا لکک. که او پر مائِم حسین، «بُکی» می کند. امیدِ رحمتی می بُرد. دیگری به مجلس می شود. سخنی می گوید، خدمتی می کند، عزای

حسین را به نیکی به پا می‌دارد. مَرَحِباً بر او که «آبکی» بر مُصِيبِهِ الحُسَيْنِ. دیگرانی اما به تأمل می‌پردازند. صحیح و سقیمِ روایتها را می‌جویند. می‌خواهند که الگویی از رفتارِ امام بگیرند. آن را نه فقط به طایفه‌ای ایمانی، که در قامتی جهانی معرفی کنند. از اخلاقِ کریمانه‌ی امام می‌گویند، از معنویتِ قابلِ تبعیتِ حسین سراغ می‌گیرند. تأمل می‌کنند. به تفکر می‌پردازند. شاید «تباکی» می‌کنند. تأملی که شاید اشکی بر گونه نشاند، اما هیچ کم از آن ندارد. که گفته‌اند: مَنْ بَكَى وَ اَبَكَى وَ اِحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَ مَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ^۱

می‌گویند تباکی داستان کسانی است که خود را به حُزن در می‌آورند. اشکی بر دیده ندارند، اما به حالتِ غَم در می‌آیند. خود را به گریه می‌زنند. اشکِ دیگران را حُرمت می‌نهند. خود را فلرغ از آن نمی‌دانند. در مقامِ طعن بر نمی‌آیند. شاید تباکی داستان افرادی است که پای خود را به میان آورده‌اند. کسانی که اگر دلشان نلرزد، اما عقلمشان می‌جُنبد. اگر اشکی جاری نکنند، اما قلمشان گره‌گشایی می‌کند. سخنشان مؤثر می‌افتد. تفسیری از کربلا باز می‌گویند که همگان را به کار می‌آید. تفسیری که طایفه و مذهب نمی‌شناسد. بر موازینِ منطقی قدم بر می‌دارد. همان موازینی که آدمیان را مفید می‌افتد. جهانیان را به کار می‌آید. مختصر گزارشی از این اندیشه‌ها در این اثر گِرد آمده است. شاید اندک ذره‌ای به فهم کربلا مددی نماید. شاید کبوتری را به گنبدش برساند.

چون کبوتر پَر رَتَمِ مستانه من	گِرد این بام و کبوترخانه من
من سَقِیمِ عیسی مریم تویی	جبرئیل عشقم و سِدره‌ام تویی
ای دل و جان از قُدم تو خجل	توبه نادر آمدی در جان و دل
حُکم داری هین بکش تا می کشیم	با تو ما چون رَز به تاکستان خوشیم

^۱ هر کس در مصیبت امام حسین بگرید یا یک نفر را بگریاند، پاداشش بهشت است و هر کس حالتِ اندوه و گریه به خود بگیرد پاداش او بهشت است. (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۸)